

مراعات ایران

تأمین می‌کنند؛

۳. مراعات با وضعیت خیلی ضعیف، به مساحتی حدود ۱۶ میلیون هکتار که اغلب در حاشیه مناطق کویری واقع شده‌اند و سهم آن از کل علوفه تولیدی از سطح مراعات کشور حدود ۴/۲ درصد است.

جدول ۱. مساحت و تعداد واحد دامی استان‌ها

استان	مساحت (هکتار)	تعداد واحد دامی (گوسفند)
آذربایجان شرقی و اردبیل	۵۰۰۰۰۰	۱۰۱۰۳۱۲۳
آذربایجان غربی	۱۸۵۶۰۰۰	۳۳۰۰۰۰۰
اصفهان	۶۶۲۶۷۵۰	۶۵۰۰۰۰۰
ایلام	۱۱۹۰۴۰۰	۱۰۵۱۵۰۰
بوشهر	۱۶۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰
تهران و قم	۱۷۹۵۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰
چهارمحال و بختیاری	۶۱۶۰۰۹	۱۸۱۲۴۴۶
خراسان (رضوی، شمالی و جنوبی)	۱۲۵۰۰۰۰۰	۱۷۰۰۰۰۰۰
خوزستان	۳۸۷۴۲۶۱	۱۲۰۰۰۰۰۰
زنجان و قزوین	۲۲۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰
سمنان	۵۵۰۰۰۰۰	۲۸۳۲۷۲۰
سیستان و بلوچستان	۱۱۸۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰
فارس	۷۵۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰
کهگیلویه و بویراحمد	۳۵۰۰۰۰۰	۲۰۴۹۵۵۴
کردستان	۱۲۰۰۰۰۰	۲۱۳۹۰۰۰
کرمان	۱۲۰۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰۰۰۰
کرمانشاه	۷۹۵۰۰۰	۳۸۷۷۰۰
گیلان	۲۲۴۰۰۰	۵۸۳۰۰۰
گلستان	۸۷۹۴۰۰	۱۶۷۰۲۱۰
لرستان	۱۷۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰۰
مازندران	۱۰۴۰۰۰۰	۲۴۴۰۹۹۰
مرکزی (اراک)	۱۹۸۰۰۰۰	۳۸۸۰۰۰۰
همدان	۸۰۰۰۰۰	۲۳۰۷۷۹۳
هرمزگان	۱۱۵۰۰۰۰	۱۵۶۲۱۳۰
یزد	۶۹۶۰۰۰	۷۹۸۶۲۰

در جدول ۲، سهم علوفه تولیدی قابل برداشت در سه نوع مرتع یادشده در بالا درج شده است:

Iran's Rangeland

بنابر بررسی‌های انجام شده، با استفاده از عکس‌های ماهواره‌ای، در سال ۱۳۵۲، مساحت کل منابع مرتعی ایران ۱۲۶ میلیون هکتار برآورد شده که ۳۶ میلیون هکتار آن اراضی کویری و تقریباً غیرقابل چرا برای دام بوده اما آن هم جزئی منابع مرتعی محسوب شده است. درواقع، مساحت مراعات قابل چرای دام، حدود ۹۰ میلیون هکتار برآورد شده که بیش از ۵۵ درصد کل مساحت کشور را تشکیل می‌دهد.

مراعات ایران مهم‌ترین بخش‌های منابع طبیعی تجدیدشونده را تشکیل می‌دهند. گله‌داری در ایران پیشینه‌ای دیرین دارد. آثار و مدارک موجود حاکی از بومی شدن بز برای نخستین بار در هفت هزار سال پیش از میلاد مسیح در منطقه‌ای موسوم به فلات ایران است، و گوسفند هزار سال بعد، بومی این فلات شده است.

ترکیب اجتماعی ایران متشکل از سه جامعه شهری، روستایی و عشایری است. جامعه عشایری به پیروی از نوع زندگی و شیوه معیشت خود، بیشتر به مراعات وابسته است. بنابر آمارهای موجود، تا اوایل قرن خورشیدی گذشته، بیش از نیمی از جمعیت کشور را دامداران و عشایر تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۶۰ خورشیدی این نسبت به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است. با آنکه این جمعیت از نظر قدر مطلق، چندان زیاد نیست، ولی بیش از نیمی از سرزمین را در قلمروی کوچ خود قرار می‌دهد [۱].

در جدول ۱، سطح مراعات کشور و تعداد واحد دامی، به تفکیک استان، درج شده است [۲]. سطح ۹۰ میلیون هکتاری مراعات کشور را می‌توان به سه گروه به قرار زیر تقسیم کرد:

۱. مراعات با وضعیت نسبتاً خوب، به مساحتی بالغ بر ۱۴ میلیون هکتار که بیشتر در ارتفاعات و مناطق کوهستانی واقع شده‌اند و حدود ۴۰/۶ درصد کل علوفه تولیدی از سطح مراعات، از این قسمت حاصل می‌شود؛

۲. مراعات با وضعیت متوسط تا ضعیف، به مساحتی حدود ۶۰ میلیون هکتار، که ۵۵/۲ درصد کل علوفه مراعات کشور را

جدول ۲. مشخصات انواع مرتع و مقدار تولید علوفه قابل استفاده دام

وضعیت مرتع	مساحت (میلیون هکتار)	تولید متوسط (کیلوگرم در هکتار)	تولید کل (هزار تن)
نسبتاً خوب	۱۴	۲۹۰	۴/۰۶۰
متوسط تا ضعیف	۶۰	۹۲	۵/۵۲۰
ضعیف تا خیلی ضعیف	۱۶	۲۶/۵	۰/۴۲۰
جمع	۹۰		۱۰۰۰۰

براساس آمار مندرج در جدول ۲، متوسط تولید علوفه مراتع کشور، سالانه ۱۳۸ کیلوگرم در هکتار است که در سطح ۹۰ میلیون هکتار، هر سال علوفه‌ای معادل ۱۰ میلیون تن از آن عاید می‌شود. با توجه به جیره نگهداری یک واحد دامی (گوسفند نژاد ایرانی) که ۱/۵ کیلوگرم در روز است، ۱۰ میلیون تن علوفه خشک سالانه، حاصل از مراتع کشور، حدود ۱۶ میلیون واحد دامی را در سال تغذیه می‌کند. بنابراین آمار موجود، تعداد واحد دامی در کشور بیش از صد میلیون واحد است که ۶۰ میلیون واحد آن از مراتع استفاده و بقیه از مازاد محصولات زراعی و صنایع غذایی تغذیه می‌کنند. با مقایسه ۱۶ میلیون واحد دامی که در حال حاضر از مراتع استفاده و تغذیه می‌کنند، در وضعیت کنونی ۴۴ میلیون واحد دامی اضافی در مراتع چرا می‌کنند که خود یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب و از بین رفتن مراتع به شمار می‌آیند [۱]. بنابراین پاره‌ای از برآوردهای اعلام شده، سالانه حدود یک میلیون هکتار از اراضی کشور به قلمروی اراضی بیابانی می‌پیوندند که سهم اعظم این اراضی، شامل مراتع کشور است. از سوی دیگر، سالانه مقادیر چشمگیری از عرصه مراتع، به اراضی کشاورزی، اعم از آبی و دیم و یا تأسیسات غیرتولیدی تبدیل می‌شود و عرصه را برای فعالیت مرتع‌داران و دامداران تنگ‌تر می‌کند؛ این امر فشار بیشتری را بر عرصه‌های مراتع وارد می‌آورد و این روند پیوسته تشدید می‌شود و دامنه آن گسترش می‌یابد. با کاهش پوشش گیاهی در سطح مراتع،

احتمال وقوع سیلاب‌ها افزایش می‌یابد که باعث رسوب‌گذاری در پشت سدها و تخریب اراضی کشاورزی نیز می‌شود [۱].

تأثیر عوامل آب و هوایی، خاکی و پستی و بلندی در مناطق مختلف سرزمین، به رشد و نمو گیاهان و در نتیجه ایجاد مراتع انجامیده است. به‌طور کلی، مراتع طبیعی در شرایط کشور ما، از نظر زمان رویش و فصل استفاده به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. مراتع بیلاقی یا تابستانه که زمان استفاده از آنها از نیمه دوم بهار تا حداکثر اواخر تابستان است؛
 ۲. مراتع قشلاقی یا زمستانه که بیشتر در فصل زمستان از آنها بهره‌برداری امکان‌پذیر است؛
 ۳. مراتع میان‌بند یا پاییزه و زمستانه که در حد فاصل مراتع بیلاقی و قشلاقی قرار دارند [۲].
- عامل ایجاد این اختلافات، تغییر ارتفاع از سطح دریا و یا تغییرات عرض جغرافیایی است که به تغییرات دما می‌انجامد و بر شروع و طول دوره رویش گیاهان و سرانجام فصل بهره‌برداری یا چرا تأثیر مستقیم خواهد نهاد.
- مراتع بیلاقی عموماً در مناطق کوهستانی، به‌خصوص رشته کوه‌های البرز و زاگرس و سایر مناطق کوهستانی واقع شده‌اند؛ در این مناطق، دوره رشد گیاهی دیرنگام شروع می‌شود و معمولاً به‌علت آغاز سرمای زودرس، طول دوره رشد گیاهی کوتاه است. این مراتع در فصل تابستان برای چریدن دام بهره‌برداری می‌شوند.
- مراتع قشلاقی در دشت‌های پست و یا در مناطق با عرض جغرافیایی کم واقع شده‌اند؛ رشد گیاهان در اواخر پاییز و زمستان میسر است و یا در مناطقی واقع‌اند که در آنجا دما بالا و امکان خروج دام از آغل میسر است و چرا از بقایای گیاهان انجام می‌پذیرد.
- دام‌ها در جریان تغییر مکان از قشلاق به بیلاق، در مراتع میان‌بند چرا می‌کنند. در این دسته مراتع که در حد فاصل

دام، ییلاق و قشلاق می‌کنند و به هیچگونه فعالیت کشاورزی و تولید علوفه برای دام‌های خود دست نمی‌زنند. مسیری که گله‌ها از قشلاق به ییلاق و برعکس طی می‌کنند، از چندین ده کیلومتر تا چندین صد کیلومتر فرق می‌کند. عمده‌ترین مراعات قشلاقی و ییلاقی ایران را می‌توان از این قرار برشمرد:

مراعات قشلاقی خوزستان، شامل تمام دشت خوزستان که به‌عنوان مراعات قشلاقی دام‌های ایل بختیاری بهره‌برداری می‌شوند. مراعات ییلاقی آنها کوه‌های بختیاری از جمله زردکوه است. کوچ از ییلاق به قشلاق از اوایل پاییز شروع می‌شود و حدود ۳۰ روز به درازا می‌کشد.

مراعات قشلاقی دشت مغان و مراعات ییلاقی کوه‌های سبلان و سهند، مورد بهره‌برداری دام‌های ایلات ایلسون (شاهسون سابق) است. با ایجاد مراکز تولیدات کشاورزی در دشت مغان و با بهره‌گیری از تأسیسات سد ارس، مساحت اراضی قشلاقی در این دشت محدود شده است. مراعات قشلاقی نواحی جنوب (کرانه‌های جنوب غربی خلیج فارس) و مراعات ییلاقی کوه‌های فارس مورد بهره‌برداری دام‌های ایلات قشقای قرار می‌گیرند. مراعات قشلاقی سرخس در شمال شرقی خراسان و کوه‌های شمال خراسان مورد بهره‌برداری دام‌های دامداران خراسانی است.

ترکمن‌ها در جنوب شرقی دریای خزر و شمال خراسان، زندگی چادرنشینی دارند. در سایر قسمت‌های ایران از جمله لرستان، کردستان، استان مرکزی، سیستان و بلوچستان و مناطق اطراف کویر مرکزی نیز ییلاق و قشلاق، و در بیشتر موارد توأم با زندگی چادرنشینی، صورت می‌گیرد که از لحاظ تعداد خانواده و دام‌ها در درجات بعدی اهمیت قرار دارند. هرچند که افراد ایلات براساس تجاریشان، با گرم شدن فصل به‌تدریج به ارتفاعات صعود می‌کنند که این امر از لحاظ آمادگی مرتع حائز اهمیت است، ولی از لحاظ زیادی تعداد دام در مقابل علوفه تولیدی، همیشه چرای پیش‌رس و مفروط

مراعات قشلاقی و ییلاقی واقع‌اند، در دو زمان از سال چرای دام انجام می‌شود. از آنجا که قسمت اعظم روستاها در محدوده مراعات میان‌بند قرار گرفته‌اند (به‌علت مساعد بودن شرایط محیطی برای زندگی، در مقایسه با دشت‌های پست و کوه‌های مرتفع) به‌دلیل استفاده دائمی دام‌های روستایی از این مراعات، به‌طور نسبی، شدت تخریب در مراعات میان‌بند بیشتر از مراعات قشلاق و ییلاق است.

به‌طور کلی، مراعات مرغوب ایران بیشتر در شمال غرب کشور یعنی در اطراف و دنباله رشته کوه‌های البرز و زاگرس که دارای ارتفاع زیادی‌اند، قرار دارند؛ از جمله می‌توان نواحی کوه‌های سبلان، سهند، منطقه ارومیه، زردکوه و دیگر کوه‌های زاگرس و الوند و البرز و کوه‌های شمال خراسان و قانات و شمال بلوچستان، کرمان و فارس و کوه‌های مرکزی مستقرند که دارای زمستان‌های سرد و طولانی و تابستان ملایم‌اند. این مراعات ییلاقی دارای علف‌ها و پوشش گیاهی فراوان و مرغوبی‌اند و دامداری ایران هم بیشتر در همین نواحی متمرکز است. هرچند که در مناطق یادشده شرایط از لحاظ رویش گیاهی مساعدتر از سایر مناطق ایران است، ولی به‌دلیل همین فراهم بودن شرایط، بر اثر تبدیل شدن مراعات به اراضی کشاورزی دیم‌کاری و محدود شدن سطح مراعات و چرای آنها قبل از آمادگی، مراعات این سامان دستخوش تخریب و ویرانی پر دامنه و شدید شده‌اند، به‌طوری که در حال حاضر اکثر مراعات مرغوب در این مناطق دستخوش تخریب شدیدند و محصول آنها بسیار کمتر از مقدار تولید در حد مطلوب (استعداد بالقوه) است [۳].

ییلاق و قشلاق مربوط به دام‌های عشایری یا ایلات است که قسمت اعظم جابجایی دام را شامل می‌شود. در این موارد، دام‌ها طی فصول مختلف سال در حال جابجایی‌اند؛ در فصل زمستان در مراعات قشلاقی و در تابستان در مناطق کوهستانی از علوفه استفاده می‌کنند. انتقال دام‌ها از مسیرهای مشخص صورت می‌گیرد و تمام افراد خانواده یا ایل به‌همراه

و تخریب مراتع صورت می‌گیرد و در زمان مراجعت از مراتع بیلاقی و قشلاقی، گیاهان مرتعی تا حد امکان چریده شده‌اند؛ افزون بر آن، ایلاتی‌ها برای تأمین سوخت خود مبادرت به بوته‌کشی از گیاهان غیرمرتعی می‌کنند که دامنه تخریب مراتع می‌افزاید [۳].

گستره وسیعی از مراتع ایران در منطقه رویشی استپی و نیمه‌استپی قرار گرفته و گونه گیاهی شاخص منطقه رویش استپی، دامنه دشتی (*Artemisia Sieberi*) است که تیپ‌های نباتی متنوعی را با دیگر گونه‌های گیاهی به وجود آورده است (استپ به بوم‌سازگان‌هایی می‌گویند که دارای گیاهان بوته‌ای کوتاه و تنک‌اند و الگوی پراکنش آن به صورتی است که بین گیاهان، خاک لخت و بدون پوشش گیاهی وجود دارد).

میزان بارندگی سالانه در منطقه استپی، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر و در قسمت‌های جنوبی ایران تا ۲۳۰ میلی‌متر است. درمنه‌زارها تقریباً در ناحیه مرکزی به صورت کمربندی، مناطق بیابانی و کویری ایران را دربرگرفته‌اند. قسمت شمال از شرق به غرب، شهرهای بیرجند، فردوس، سرخس، نیشابور، سبزوار، شاهرود، دامغان و سمنان را شامل می‌شود و تا تهران ادامه دارد. بخش جنوب شرقی به طرف جنوب غربی، شهرهای سراوان، خاش، زاهدان، کرمان، لار و اهواز را شامل می‌شود. حدود یک سوم از وسعت مراتع کشور، در این منطقه استپی واقع شده است [۴].

منطقه نیمه‌استپی به صورت نواری ممتد در پیرامون رشته کوه زاگرس و جنوب و شمال شرقی رشته کوه البرز و برروی فلات آذربایجان و شرق خوزستان در مساحتی پهناور گسترده شده است. میزان بارندگی سالانه این نواحی برحسب منطقه، بین ۲۳۰ تا ۴۰۰ و گاهی تا ۴۵۰ میلی‌متر متغیر و دما برحسب ارتفاع و عرض جغرافیایی، به ویژه در زمستان بسیار متفاوت است. پوشش گیاهی مناطق نیمه‌استپی در مقایسه با مناطق استپی به علت بارندگی بیشتر، غنی‌تر

است؛ این منطقه دارای علفزارهای وسیعی است که عمدتاً چراگاه‌های مهمی را در مناطق بیلاقی کشور تشکیل می‌دهد و برای چرای دام در فصل بهار و تابستان بهره‌برداری می‌شود. مراتع نیمه‌استپی به علت بارندگی مناسب، حالت برگشت‌پذیری خوبی دارند و چنانچه تغییر پوشش گیاهی تا حد تخریب پیش نرفته باشد، دستیابی به پوشش گیاهی مطلوب و متعادل، متشکل از گندمیان و پهن‌برگان مرغوب، در کوتاه‌مدت میسر است. با برقراری تعادل بین ظرفیت چرا و تعداد دام و رعایت زمان ورود و خروج دام، می‌توان به پوشش گیاهی مطلوب در این بخش از سرزمین دست یافت. باید توجه داشت که مراتع به‌عنوان منبع عظیم تجدیدشونده‌ای، جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کشور و حفاظت از بستر حیات جامعه دارند و عدم توجه به آنها خسارت‌های بسیاری را به بار خواهد آورد. نمونه ملموس از این خسارت‌ها را در سال‌های اخیر در ارتباط با بروز سیلاب‌های زیانبار شاهد بوده‌ایم و اینها نیز خاتمه بحران نیستند؛ زنگ خطری‌اند که در رابطه با گسترش پدیده ناهنجار کویرزایی و ایجاد کویر بزرگ ایران به صدا درآمده‌اند [۴]. عرصه‌های مرتعی، مهم‌ترین نقش را در جذب آب بارندگی‌ها دارند و اگر در مدیریت مراتع به درستی توجه می‌شد شاید هم‌اکنون با مشکل کم‌آبی و کاهش بیلان آبی رودخانه‌ها و چشمه‌ها مواجه نبودیم.

کتاب‌شناسی

۱. پیمانی فرد، بهرام. (۱۳۷۶). *مراتع و افزایش ظرفیت تولید، در گزارش نهایی در طرح آینده غذا*. گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم.
۲. سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور. (۱۳۶۶). *آشنایی با منابع طبیعی تجدیدشونده کشور*. تهران: انتشارات سازمان ترویج کشاورزی.
۳. مقدم، محمدرضا. (۱۳۷۷). *مرتع و مرتعداری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. مصداقی، منصور. (۱۳۷۲). *مرتعداری در ایران*. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

بهرام پیمانی فرد

استاد بازنشسته مؤسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع

